

انواع حماسه

حماسه‌ها را به اعتبارهای مختلف از قبیل قدمت و موضوع تقسیم کرده‌اند:

تقسیم بر حسب قدمت

۱- حماسه‌های سنتی traditional که به آن‌ها حماسه‌های ابتدایی، یا نخستینه Primary Epics و حماسه‌های شفاهی Folk Epic نیز گویند. این حماسه‌ها در زمان‌های قدیم شکل گرفته‌اند، مثل ایلید، اودیسه، مهابهاراتا، رامایانا، ایاتکار زیریران، شاهنامه فردوسی^{۱۶}، گرشاسپ‌نامه اسدی، بهمن‌نامه، برزنامه.

حماسه‌های سنتی را اصیل‌ترین انواع حماسه دانسته‌اند. شاعر حتی المقدور در منابع خود از قبیل کتب کهن و روایات پراکنده و قصص شفاهی دخل و تصرف نمی‌کند.

۲- حماسه‌های ثانوی Secondary یا حماسه‌های ادبی Literary Epics که به صورت استادانه‌ی، بر مبنای حماسه‌های قدیمی ساخته شده‌اند. در این گونه حماسه‌ها، شاعر موضوعی را ابداع می‌کند یا آزادانه از موضوعات قدیمی سود می‌جوید، اما معاییر حماسه‌های کهن را رعایت می‌کند، مثل اینه‌تید و برزیل که بر مبنای ایلید و اودیسه ساخته شده‌اند و بهشت گمشده میلتون که حماسه‌ی مسیحی است.

۳- حماسه‌های متأخر یا سومین Tertiary Epics که از روی حماسه‌های ثانوی، در ادوار متأخر ساخته شده است. مثل رستم و سهرابی که ماتیو آرنولد Matthew Arnold شاعر انگلیسی، بر مبنای رستم و سهراب شاهنامه ساخته است یا نمایشنامه رستم و سهرابی که حسین کاظم‌زاده بر مبنای شاهنامه نوشت و در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در برلن به طبع رساند و یا داستان‌های عامیانه موسوم به رستم‌نامه که به نثری ساده در مورد قصص رستم نوشته شده است. شاهنامه کردی سروده الماس خان از سرداران نادرشاه هم از این نوع است^{۱۷}.

تقسیم بر حسب موضوع

۱- حماسه اساطیری که قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین نوع حماسه است. این گونه حماسه مربوط به دوران ماقبل، تاریخ است و بر مبنای اساطیر شکل گرفته است. مثل حماسه سومری گیل گمش و بخش اول شاهنامه فردوسی (تا داستان فریدون). در این قسمت

شاهنامه از «اوایل» سخن رفته است و مثلاً گفته شده است که اول کسی که گرمابه ساخت یا نوشتن آموخت که بوده است. قسمت‌هایی از ایللیاد و اودیسه، قسمت‌هایی از تورات، رامایانا و مهابهاراتا را هم می‌توان جزو حماسه‌های اساطیری دانست.

۲- حماسه‌های پهلوانی که در آن از زندگی پهلوانان سخن رفته است. حماسه پهلوانی ممکن است جنبه اساطیری داشته باشد؛ مثل زندگی رستم در شاهنامه و ممکن است جنبه تاریخی داشته باشد، مثل ظفرنامه حمدالله مستوفی و شهنشاها نامه صا که قهرمانان آن‌ها وجود تاریخی داشته‌اند. البته گاهی نمی‌توان ردپای قهرمان را دقیقاً در تاریخ جست و جو کرد. در حماسه‌های پهلوانی، قهرمان معمولاً یک پهلوان مردمی است و برای او مرگ بهتر از ننگ است.

۳- حماسه‌های دینی یا مذهبی که قهرمان آن یکی از رجال مذهبی است و ساخت داستان حماسه بر مبنای اصول یکی از مذاهب است؛ مثل کمدی الهی دانته، خاوران‌نامه ابن حسام (شاعر قرن نهم)، خداوندنامه ملک الشعراء صبای کاشانی. برخی از محققان، به حماسه‌های اخلاقی هم قائل شده‌اند و مهابهاراتا و رامایانا را مثال زده‌اند. به نظر ما حماسه‌های اخلاقی همان حماسه‌های دینی هستند و حتی می‌توان به آن‌ها حماسه فلسفی هم گفت، زیرا در آن‌ها مسایل عمیق تفکر بشری از قبیل مرگ و زندگی و خیر و شر مطرح شده است.

معمولاً اقوامی که دارای زندگی فعال بودند و با اقوام دیگر ماجراهایی از جنگ و صلح داشتند، دارای حماسه‌های پهلوانی هستند؛ مانند یونانیان و ایرانیان باستان. اما اقوامی که فعالیت‌های برون مرزی نداشتند و به اصطلاح در خود بودند، بیشتر حماسه‌های دینی و فلسفی دارند؛ مانند چینیان و مصریان و هندیان باستان. در ایران هم بعد از حملات خانمان‌سوزی از قبیل حمله غزان و مغولان و تیموریان، زندگی درونی و درونگرایی بر زندگی بیرونی و برونگرایی غالب آمد و حماسه‌های عرفانی، جای حماسه‌های پهلوانی را گرفت.

۴- حماسه‌های عرفانی که در ادبیات فارسی فراوان است. در این گونه حماسه، قهرمانان بعد از شکست دادن دیو نفس و طی سفری مخاطره‌آمیز در جاده طریقت، نهایتاً به پیروزی که همانا حصول به جاودانگی از طریق فنا فی الله است، دست می‌یابند. مثل حماسه حلاج در تذکرة الاولیا. منطق الطیر هم یک حماسه عرفانی است، منتها

به شیوه تمثیلی سروده شده است. بهگوت گیتا را هم که از متون مذهبی هند محسوب می‌شود، گاهی حماسه عرفانی خوانده‌اند.

ممکن است انواع دیگری از حماسه هم وجود داشته باشند. مثلاً در ادبیات اروپایی نوعی از حماسه هست که به آن حماسه طنز و مسخره Mock Epic می‌گویند. این نوع حماسه برخلاف حماسه‌های واقعی، از زندگی امروزی انسان مایه می‌گیرد و جنبه طنز و مسخره دارد. بودلر می‌گوید:

«حماسه طنز آن است که از زندگی امروزی بشر، ابعاد حماسی را استخراج و مشخص کنیم و به‌خود نشان دهیم که چگونه باکراوات و پوتین‌های واکس زده شاعرانه زندگی می‌کنیم و بزرگیم.»

این نوع حماسه، در ادبیات فارسی چندان مرسوم نیست، اما به‌هرحال ما هم نوعی حماسه مسخره داریم که قهرمان آن به اصطلاح یک «پهلوان پنبه» است، یا کسی است که در توهمات خود، اوضاع و احوال دیگری را می‌بیند، مثل رمان معروف دایی جان ناپلئون نوشته ایرج پزشک‌زاد. در ادبیات غرب، دن کیشوتِ سروانتس را هم شاید بتوان از این مقوله محسوب داشت.

در نوع دیگری از حماسه، که من به آن حماسه دروغ می‌گویم، قهرمان یک پهلوان دروغین است؛ مثل مجموعه قصاید غرایبی که در باب رشادت‌ها و جنگ‌های پادشاهان حقیر سروده شده است.

در اینجا توضیح این نکته ضروری است که حماسه در هر صورت، چه فلسفی باشد و چه عرفانی و چه اساطیری باید همواره در بافتی از شهنشاهی‌ها و بهادری‌ها و خطر کردن‌ها ارائه شود. به عبارت دیگر، دل به دریا زدن‌ها و تن به خطر سپردن‌ها، مشخصه اصلی حماسه است.

حماسه‌های معروف جهان

ادبیات سانسکریت: مهابهاراتا، رامایانا

مهابهاراتا سروده صدها شاعر بی‌نام و نشان، در زمان‌های مختلف است (تقریباً از ۲۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ بعد از میلاد) که به وسیله ویاسا Vyasa جمع‌آوری شده است.

در این حماسه که قریب به صد هزار بیت است از پهلوانی‌ها و پیروزی‌های رجال مذهبی از قبیل کریشنا و آرجونا سخن رفته است. یک قسمت از آن منظومه عرفانی بهگوت گیتا یا بغدود گیتا (بغ به معنی خدا) است که محمد داراشکوه آن را در قرن ۱۱ هجری به فارسی ترجمه کرده است.

رامایانا را در قرن سوم قبل از میلاد، والمیکی Vālmiki در چهل و هشت هزار بیت سروده است. رامایانایا رام و راماین یا به قول صاحب مقدمه شاهنامه ابومنصوری «رام و رامین»^{۱۸}، سرگذشت رام (یکی از تجسدهای ویشنو خدای هندوان) است. این حماسه در مراسم دینی خوانده می‌شد و جزو کتب مذهبی است. قیضی دکنی شاعر معروف آن را در قرن دهم هجری، تحت عنوان وظیفه الفیضی به فارسی ترجمه کرد.

ادبیات یونانی: ایللیاد و اودیسه هر دو از هُمِر

ایللیاد در ۲۴ فصل، شرح هفته‌های آخر جنگ‌های ده ساله یونان و تروا است. پاریس پسر شاه تروا، هلن، شاهزاده زیبای یونان را از نزد شوهرش ربوده است و این کار، یونانیان را به جنگ با مردم تروا می‌کشاند.

اودیسه، ۲۴ سرود دارد. اولیس یکی از پهلوانان یونانی جنگ تروا در راه بازگشت به وطن دچار سرگشتگی‌ها و گرفتاری‌هایی می‌شود، مردم می‌پندارند که او مرده است. برخی برآنند تا با همسر زیبای او پنه‌لوپ ازدواج کنند. اولیس، ناشناس به زادگاه خود برمی‌گردد و خواستگاران سمج را به عقوبت می‌رساند.

ادبیات رومی: اِنه‌ئید

اِنه‌ئید سروده ویرژیل (قرن اول قبل از میلاد) شاعر نامبردار رومی، داستان اِنه‌آس Aeneas جد افسانه‌یی رومی‌هاست. اِنه‌آس، شاهزاده تروایی، از جنگ تروا گریخته و پس از سفری پرماجرا و اقامتی چند در کارتاژ به ایتالیا می‌رسد. در این سفر دیدن Didon ملکه کارتاژ عاشق اِنه‌آس می‌شود، اما اِنه‌آس او را رها می‌کند. ملکه دست به خودکشی می‌زند و این باعث جنگ و خصومت بین روم و کارتاژ می‌گردد.

ادبیات عرب: الحماسه

الحماسه، اسم دو کتاب از دو شاعر بزرگ عرب، ابوتّمّام و بُحتری است. الحماسه ابوتّمّام (۲۳۱ - ۱۸۸ ه. ق) کتابی است در ده باب که فقط عنوان باب اول آن حماسه است (باب‌های دیگر در مراثی و هجا و نسیب و غیره است). از آنجا که باب اول از سایر ابواب مفصل‌تر است به کل کتاب، نام الحماسه داده‌اند. در هر باب، قصاید و قطعاتی از شاعران جاهلی و اسلامی برگزیده شده است.

الحماسه بُحتری (۲۸۴ - ۲۰۶ ه. ق) هم دارای ابوابی است و در هر باب مجموعاً اشعاری از قریب به پانصد شاعر انتخاب شده است.

اعراب با آن که دارای قصص و افسانه‌های پهلوانی بوده‌اند (مثلاً افسانه‌های مربوط به عترة ابن شداد العَبّسی) اما منظومه‌های بلند حماسی در حول و حوش زندگی پهلوانان ملی نداشته‌اند.

ادبیات فارسی: شاهنامه

حدود سال ۳۷۰ ه. ق فردوسی شروع به نظم افسانه‌های ملی ایران کرد و سرانجام آن را با حدود ۶۰ هزار بیت در سال ۴۰۰ هجری قمری به پایان رساند. در شاهنامه سه بخش اساطیری و پهلوانی و تاریخی قابل تمییز است. بخش اساطیری از زمان کیومرث تا فریدون را دربر می‌گیرد. بخش پهلوانی از زمان کاوه تا قتل رستم است. بخش تاریخی که گاهی هم با افسانه درهم آمیخته است از اواخر عهد کیانی (آمدن اسکندر) تا شکست ایرانیان از اعراب است.

منبع اصلی شاهنامه، مع‌الواسطه، خدای‌نامه (خوتای نامک) است که در عصر ساسانیان تدوین شده بود و از این رو در شاهنامه از بسیاری از اساطیر موجود در اوستا از قبیل قصص مربوط به مهر و اناهیتا خبری نیست؛ در نتیجه شاهنامه فقط حاوی بخش کوچکی از حماسه‌ها و اسطوره‌های قوم ایرانی است.

شاهنامه را به یک اعتبار می‌توان حماسه ثانوی قلمداد کرد، زیرا بر مبنای کتاب‌های مدوّن حماسی پیش از خود به وجود آمده است؛ اما از آنجا که فردوسی غالباً عین منابع خود را منظوم کرده است شاید بهتر باشد که آن را همان حماسه نخستینه بخوانیم.

ادبیات اروپایی:

حماسه معروف فرانسه، سرود رولان Chanson de Roland است که در اواخر قرن یازدهم میلادی مکتوب شده اما در شرح پهلوانی‌های رولان از قهرمانان فرانسه در قرن هشتم است. در این حماسه رولان از نزدیکان شارلمانی پادشاه فرانسه است و در جنگ با دشمنان کشته می‌شود.

قدیمی‌ترین حماسه انگلیسی، بیوولف Beowulf است که در قرن هشتم میلادی منظوم شد و در آن صحنه‌هایی از قبیل کشتن غول دریائی Grendel و اژدها به دست قهرمان حماسه، ترسیم شده است.

حماسه معروف انگلیسی، بهشت گمشده Pradise Lost اثر جان میلتون (۱۶۷۴ - ۱۶۰۸) شاعر نابینای انگلیسی است که در دوازده باب سروده شده است. قهرمان این حماسه، حضرت آدم است.^{۱۹}

حماسه آلمانی‌ها، سرود نیبلونگن Nibelungen است از شاعری نامعلوم در قرن دوازدهم میلادی، قهرمان این حماسه زیگفرید روئین‌تن است. زیگفرید اژدهایی را می‌کشد و با خون آن بدن خود را شست و شو می‌دهد، اما برگگی به نقطه‌یی در میان دو شانه‌اش فرو می‌افتد و در نتیجه آن نقطه با خون اژدها تماس نمی‌یابد. زیگفرید همه بدنش، گزندناپذیر شده است جز آن نقطه میان دو شانه. پهلوانی به نام هاگن Hagen با زوبین به میان دو شانه زیگفرید می‌زند و او را می‌کشد.

ایتالیائی‌ها هم چند حماسه از قبیل رهائی اورشلیم و کمدی الهی دارند. کمدی الهی Divine comedy اثر دانته، در اوایل قرن چهاردهم تصنیف شد. بخش اول آن داستان دوزخ، بخش دوم داستان اعراف و بخش سوم داستان بهشت است. دانته در این کتاب به این سه مکان سفری خیالی دارد. کسانی در این سفر به او کمک می‌کنند و یا با او همراهند. مثلاً ویرژیل شاعر بزرگ حماسه‌سرای رومی، دانته را از دوزخ به اعراف می‌رساند. دانته در دوزخ بسیاری از رجال نام‌آور را می‌بیند و در بهشت از اسرار دیانت مسیحی و شهادت حضرت عیسی آگاه می‌شود.

حماسه‌های ایرانی

در مورد حماسه‌های ایرانی و شرح تفصیلی هر یک، خوانندگان را به کتاب ارزنده

حماسه‌سرایی در ایران تألیف استاد دکتر ذبیح‌الله صفا ارجاع می‌دهم و در این بخش فقط به ذکر نام چند اثر قناعت می‌کنم.

حماسه‌های اساطیری منظوم:

- ۱- منظومه‌های مهریشت و زامیادیشیت در اوستا.
 - ۲- منظومه ایا تکار زیریران به زبان پهلوی.
 - ۳- شاهنامه فردوسی (بخش نخست آن در تاریخ پیشدادیان) و گرشاسپنامه اسدی طوسی در فارسی دری.^{۲۰}
- گرشاسپنامه اسدی طوسی مانند ایللیاد و اودیسه، موضوع واحد دارد و در مورد زندگی یک قهرمان است، حال آن که شاهنامه مجموعه‌یی از حماسه‌های مختلف است.

حماسه‌های اساطیری منثور:

- ۱- کارنامه اردشیر بابکان به پهلوی.
- ۲- شاهنامه ابوالمؤید بلخی و ابومنصوری (که هر دو از میان رفته‌اند).
- ۳- داستان‌های مربوط به اسکندر (اسکندرنامه)، داراب‌نامه.

حماسه‌های پهلوانی منظوم:

مثل داستان‌های بخش دوم شاهنامه یعنی از زمان کاوه تا قتل رستم.

حماسه‌های پهلوانی منثور:

داستان‌های سمک عیار و حسین کرد شبستری^{۲۱}

حماسه‌های تاریخی منظوم

- ۱- ظفرنامه حمدالله مستوفی
 - ۲- شهنشاهنامه فتح‌علی خان صبا
- به‌طور کلی می‌توان گفت که حماسه‌هایی که منشأ آن‌ها به پیش از اسلام می‌رسد، مربوط به مجد و عظمت ایران و خاطرات پیروزی اقوام آریایی بر قبایل بومی همسایه است و مهم‌ترین حماسه‌های بعد از اسلام، مثلاً حماسه‌های عرفانی، نتیجه شکست